

این بزرگترین درس برای یک کشور است که مراقب افول و رکود شدید باشد که بیشتر زحمات و پیشروی‌ها در این حالت به هدر خواهد رفت.

◀ به نظر می‌رسد تدوین سند چشم‌انداز حاصل ۸ سال ثبات اقتصادی یا رشد ناخالص ملی ما بوده است. یعنی این ذهنیت بوجود آمد که چون یک ثبات نسبی داریم، در رشد و روابط خارجی و مانند اینها، پس می‌توانیم یک برنامه‌ریزی درازمدت در افق ۲۰ ساله داشته باشیم. بله؛ این خوشبینی ناشی از سال‌های پس از جنگ و دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و به دنبالش دولت اصلاحات بود. زیرا بعد از جنگ و شروع دولت آقای هاشمی رفسنجانی، افول اقتصادی و سقوط تولید در سال‌های جنگ متوقف شد و همه شاخص‌ها رشد کرد و کشور در هرزمینه‌ای وضعیت بهتری پیدا کرد. دوم اینکه در حال تلاش برای برقراری روابط بهتر با جهان بودیم.

سرمایه خارجی می‌آمد و ایرانیان خارج از کشور هم می‌توانستند همکاری کنند. مجموعه این عوامل باعث شد چنین ایده‌ای شکل بگیرد. بنابراین، این توقع ایجاد شد که می‌توانیم رشد کنیم که خوشبختانه یا متأسفانه، آن جهش زادوولد اوایل انقلاب نیروی کار فراوانی را در اختیار گذاشته بود که پشتوانه خوبی

کاش آن هدف رشد اقتصادی ۸ درصدی در سند چشم‌انداز تعیین نمی‌شد و مثلاً روی رشد اقتصادی ۵ درصد توافق و تعهد همگانی شکل می‌گرفت تا امروز وضعیت بسیار بهتری داشتیم.

درصد رشد اقتصادی

برای رشد کشور شد. متأسفانه در دوره آقای احمدی‌نژاد و تحریم‌های گوناگون باعث شد این نیروی جوان نابود شد و عمر و زندگی آنان به بطالت و بی‌کاری گذشت و ما این فرصت طلایی را از دست دادیم. بنابراین سابقه رشدهای گذشته این تصور را ایجاد کرد که در ۲۰ سال آینده هم می‌توانیم این روند را ادامه دهیم. من می‌گویم کاش آن هدف رشد اقتصادی ۸ درصدی در سند چشم‌انداز تعیین نمی‌شد و مثلاً روی رشد اقتصادی ۵ درصد توافق و تعهد همگانی شکل می‌گرفت و با استفاده از دیپلماسی، شرایط بین‌المللی و تحریم‌ها را مدیریت می‌کردیم، در این

صورت با رشد ۵ درصدی، امروز وضعیت بسیار بهتری داشتیم. یعنی به جای درآمد سرانه ۵ هزار دلاری به دلیل رشدهای یک، دو درصدی و حتی بسیار منفی، الان درآمد سرانه هر ایرانی به ۲۵ هزار دلار می‌رسید و به رفاه مناسبی دست پیدا می‌کردیم.

◀ شما کتاب «معمای فراوانی» را هم ترجمه کردید که درباره یک منبع نفیرین شده، یعنی نفت صحبت می‌کند. چه شد مسیر کشور تغییر کرد و آن توافقی که برای رسیدن به سند چشم‌انداز داشتیم، بهم خورد. عامل آن نفت و فراوانی ناگهانی نفت بود؟

آمدن درآمدهای سرشار نفت بسیار مؤثر بود. دقیقاً رفتاری که محمدرضا پهلوی بعد از شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۳ انجام داد و بخش خصوصی و همه تولیدکنندگان داخلی را از خود دور کرد و بعد هم به سیاست کنترل قیمت متوسل شد؛ در دوره دولت احمدی‌نژاد هم اتفاق افتاد. یعنی صنعت کشاورزی تضعیف شد و از سویی تغییر سیاست خارجی ما در منطقه و در قاره‌های دیگر که می‌خواست به پشتوانه پول نفت خودش را مطرح کند. این امر باعث شد از ایجاد ثبات و اجرای سیاست‌های درست اقتصادی و نگاه به آینده مطلوب غافل شویم. مجموع این عوامل زمینه‌ساز اعتراض، ناامیدی و سرخوردگی و سردرگمی شد.

◀ کشور آن ظرفیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را دارد که یک بار دیگر سند چشم‌انداز بلند مدتی تنظیم شود؟ در دنیای پرتحول کنونی چشم‌انداز بلندمدت خیلی کاربرد ندارد و توصیه نمی‌شود. ما در گردابی قرار گرفتیم که ثبات و سکونی دیده نمی‌شود. ما به لنگرگاهی نیاز داریم تا اجازه دهد حتی به آینده میان مدت هم فکر کنیم. این لنگرگاه وجود ندارد و از ما دریغ شده است. ▶

